

ویژگی ظاهری انسان در انگلیسی (Physical Appearance in English)

مقدمه

توانایی توصیف افراد یکی از مهارت‌های ضروری در زبان انگلیسی است. وقتی کسی را توصیف می‌کنیم- چه برای پیدا کردن یک نفر، چه در صحبت‌های روزمره یا حتی در نوشتن داستان- باید واژگان مربوط به ویژگی‌های ظاهری انسان در انگلیسی را بدانیم. این واژگان به شما کمک می‌کنند ظاهر افراد را دقیق، طبیعی و روان بیان کنید. در این درس، با ۲۰ کلمه و عبارت پرکاربرد آشنا می‌شوید که در مکالمه‌های روزمره بسیار به کار می‌آیند.

واژگان کاربردی

واژه	فارسی معنی	انگلیسی مثال	ترجمه مثال
tall	بلند قد	He is tall and slim.	او قد بلند و لاغر است.
short	قدکوتاه	My brother is short but strong.	برادرم کوتاه‌قد اما قوی است.
slim	اندام‌خوش لاغر	She has a slim figure.	او اندام لاغری دارد.
fat	چاق	The cat is fat and lazy.	گربه چاق و تنبله.
overweight	وزن اضافه	He is a bit overweight.	او کمی اضافه‌وزن دارد.
muscular	عضلانی	He has a muscular body.	بدن عضلانی دارد.
bald	طاس	My uncle is bald.	دایی من طاس است.
beard	ریش	He has a long beard.	او ریش بلندی دارد.
moustache	سبیل	He shaved his moustache.	او سبیلش را زد.
curly hair	فر موی	She has curly hair.	او موی فری دارد.
straight hair	صف موی	I love her straight hair.	من موی صاف او را دوست دارم.
blonde	بلوند	He has blonde hair.	او موی بلوند دارد.
brunette	ای قهوه/خرمایی مو	She's a brunette.	او موی خرمایی دارد.
fair skin	روشن پوست	She has fair skin.	او پوست روشنی دارد.
dark skin	تیره پوست	He has dark skin.	او پوست تیره‌ای دارد.
good-looking	قیافه‌خوش	He is a good-looking man.	او مرد خوش‌قیافه‌ای است.

ugly	زشت	That was an ugly doll.	آن عروسک زشتی بود.
beautiful	زیبا	She is very beautiful.	او خیلی زیباست.
attractive	جذاب	He looks very attractive.	او خیلی جذاب به نظر می‌رسد.
average-looking	معمولی قیافه	She's average-looking.	او قیافه معمولی دارد.

بخش ۲: تمرین اول - جای خالی (با پاسخ)

جملات زیر را با استفاده از کلمات مناسب درباره ویژگی ظاهری انسان در انگلیسی کامل کنید:

1. My father is He has no hair.
2. She has hair. It's long and shiny.
3. I am not fat, I'm just a bit
4. That girl is very Everyone looks at her.
5. My cousin has a and a moustache.

پاسخ‌ها:

1. bald
2. straight
3. overweight
4. attractive
5. beard

بخش ۳: تمرین دوم - تطبیق کلمه با معنی

واژه‌ها را به معنی فارسی‌شان وصل کنید:

انگلیسی	فارسی
fair skin	پوست روشن
ugly	زشت
brunette	مو قهوه‌ای
good-looking	خوش‌قیافه
muscular	عضلاتی

A Person in the Park

Yesterday, I saw a man in the park. He was very tall and muscular, wearing a black T-shirt. He had curly hair, a thick beard, and a small moustache. His skin was fair, and he looked very attractive. There was also a woman with him. She was short and a little overweight, but she had a lovely smile. Her straight hair was blonde, and her skin was dark. They were both very good-looking in their own way.

بخش ۵: ترجمه داستان

یک نفر در پارک

دیروز مردی را در پارک دیدم. او بسیار قد بلند و عضلانی بود و یک تی شرت مشکی پوشیده بود. او موی فری، یک ریش پرپشت و یک سبیل کوچک داشت. پوستش روشن بود و بسیار جذاب به نظر می رسد. یک زن هم همراه او بود. او قد کوتاه و کمی چاق بود، اما لبخند زیبایی داشت. موی صاف و بلوندی داشت و پوستش تیره بود. هر دو به سبک خودشان خوش قیافه بودند.

نتیجه گیری

در این درس با واژگان پرکاربرد مرتبط با ویژگی ظاهری انسان در انگلیسی آشنا شدیم که در مکالمات روزمره، توصیف افراد، و حتی نوشتمن داستان یا نامه بسیار مهم هستند. تمرین های متنوع و داستان واقعی به شما کمک می کنند این لغات را بهتر به خاطر بسپارید و در موقعیت های واقعی از آنها استفاده کنید.